

سخنرانی «دکتر فریدون وردی نژاد» سفیر سابق ایران
در چین و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
در پردیس دانشگاه تهران د شهر قم

کارآفرینی در چشم انداز بین المللی (بررسی موردی چین)

چین کشوری کارآفرین و موفق در راه توسعه اقتصادی است که با مدیریتی پویا الگویی نوین، موفق و متفاوت را ارائه کرده است. سمینار کارآفرینی در چشم انداز بین المللی نیز با هدف معرفی الگو و بررسی تطبیقی آن با ایران توسط مرکز کارآفرینی پردیس قم دانشگاه تهران با رانی «دکتر فریدون وردی نژاد» سفیر سابق ایران در چین و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران برگزار شد که خلاصه ای از آن در ادامه می آید.

چین سال 1979 کشوری است کمونیستی با نظام سیاسی بسته و اقتصادی سوسیالیستی که از لحاظ تکنولوژی، آموزش و ارتباطات با دنیا از ایران آن دوران که در ابتدای انقلاب اسلامی به سر می برد عقب تر و ناتوان تر بود. اما از سال 1980 این کشور شروع به برنامه ریزی و حرکت برای توسعه فراگیر کرد به طوری که امروز با کشوری به مساحت 9 میلیون کیلومتر مربع و یک میلیارد و سیصد میلیون نفر جمعیت روبر هستیم که دارای اقتصادی با 1100 میلیارد دلار در سال است و طی دو دهه گذشته 600 میلیارد دلار سرمایه خارجی را به صورت FBI (سرمایه گذاری مستقیم خارجی) جذب کرده و فقط در سال گذشته توانسته 60 میلیارد دلار سرمایه خارجی را در طول یک سال وارد اقتصاد خود کند. چین امروز کشوری با فن آوری قابل قبول و قدرت کپی سازی زیاد است. این کشور هم اکنون به Brand سازی حرکت می کند و سومین صادر کننده بزرگ جهان است.

آغاز حرکت این اژدهای خفته از آنجا شروع شد که روشنفکران پویای کمونیست که در واقع نسل دوم انقلاب چین بودند به این نتیجه رسیدند که دیگر مکتب کمونیسم امکان توسعه چین را فراهم نمی آورد لذا تصمیم گرفتند تا درهای کشور را به سوی تکنولوژی، اطلاعات و تجربیات بیرون بگشایند. لازم به ذکر است که انقلاب فرهنگی در چین که چینی ها آن دوران

را دهه سیاه می نامند باعث شد که چین از جهان منزوی شده و به صورت سیستمی بسته درآید که سیاست جدید، در تکاپو برای شکست این حصارها بود لذا حزب کمونیست تصمیم گرفت که 600 نفر از مدیران، مسوولان و نخبگان را از سراسر چین از دستگاهها و سازمانهای مختلف جدا کرده و تحت آموزش قرار دهد. محتوای این آموزش مدیریت حقوق، ارتباطات بین الملل، زبان و اقتصاد بود که این طرح به عنوان طرح مشعل نامگذاری شد. در ادامه، هر کدام از افراد آموزش دیده ملزم بود که ده نفر دیگر را آموزش دهد و هر کدام از این ده نفر ملزم به آموزش ده نفر دیگر بودند که این روند به صورت خوشه ای پیش می رفت. اما این اقدام کافی نبود چرا که دولت به این نتیجه رسید که هنوز توان استفاده از سرمایه و توانایی خارجی را ندارد و نمی تواند آنها را وارد کشور کند پس به فکر جذب چینی های ماوراء بحار افتادند. چینی ها ماوراء بحار (حدود 30 - 32 میلیون) افرادی بودند که پس از انقلاب، از چین فرار کرده بودند و از نظر چین به عنوان ضد انقلاب شناخته شدند اما رهبری چین آقای «دنشویپینگ» دستور تشکیل وزرات چینی های ماوراء بحار را داد که وظیفه اصلی آن حفظ ارتباط با چینی های خارج کشور بود. این وزارت هم اکنون تمام «چایناتانگ ها» سازماندهی کرده و نگذاشته که چینی های خارج از کشور زبانشان، لباس محلیشان و فرهنگشان را فراموش کنند. حتی «چاب استیک های» که جای قاشق استفاده می شود را به سراسر جهان می فرستد.

در گام بعدی اصول توسعه چین پایه ریزی شد که عبارتند از:

1. اطلاعات اقتصادی
2. حفظ و ادامه سیاست درهای ب
3. حفظ ثبات و آرامش سیاسی
4. گشایش تدریجی اجتماعی
5. بسط و توسعه وحدت و یکپارچگی

6. ایجاد فضای اعتماد و همکاری با همسایگان

7. تنش زدایی در اتباطات بین المللی

که برای مثال این کشور توانست با سیاست تنش زدایی باعث شود، مخارج نیروی نظامی در

مرزها

به

لذا چین در راستای اجرای این اصول، اقدامات زیر را در پیش گرفت:

- توسعه منابع انسانی با اولویت جوانان و نوجوانان و با اولویت علوم انسانی به خصوص

مدیریت حقوق اقتصاد و روابط بین الملل

- توسعه فن آوری و تمرکز بر روی Hi-tech

- تبدیل ارزشها و شعارهای فرهنگی و جهانی کمونیسم به شعارهای ملی مانند چین بزرگ،

چین مرفه، چین ارزشمند، و محصولات فرهنگی یعنی ترجیح منافع ملی بر منافع حزبی و

ایدئولوژیک

- ایجاد اشتغال برتر و تولید انبوه با تکیه بر پیشتازی در قیمت

- سردادن شعار عقلانیت جمعی، جهان بدون جنگ، چین صلح دوست برای نشان دادن چهره

ای جدید صلح طلب و عقلانیت جمعی، جهان بدون جنگ، صلح دوست برای نشان دادن چهره

ای جدید صلح طلب و عقلانی از چین به جهان و نشان دادن حاشیه ای امن برای سرمایه

گذاری و ارتباطات مستمر

- مشارکت دادن همه افراد و اقشار در توسعه و توسعه حلقه حزب کمونیسم

- تصرف بازارهای جنوب شرق آسیا و سپس کل آسیا و آفریقا و در گام بعد امریکای لاتین

سپس اروپا و بعد امریکا.

- دسته بندی و استانداردسازی همه کالاها به چهار استاندارد A برای امریکا و اروپا، B برای

ژاپن و کشورهای جنوب شرق آسیا، C برای کشورهای در حال توسعه و D برای مصرف

داخلی. البته این نکته قابل توجه است که بازرگانی ایران به دلیل بی ضابطه بودن، سنتی بودن و آزاد بودن ورود هر کالایی و با هر استانداردی به کشور از کالاهای استاندارد D چین به جای C وارد می کند.

- دوستی با همه کشورهای و به تعویق انداختن اختلافات

- دوری از بلوک ها و اتحادهای خطر آفرین

- آوردن فن آوری به درون کشور و بومی سازی آن که در این زمینه چینی ها استعداد بسیار خوبی دارند و آن هم به دلیل ارتباط خوبی است که با چینی های ماوراء بحار دارند.

- به کارگیری توان و مدیریت خارجی

- اصلاح قوانین و مقررات سخت, دست و پاگیر و تند

- اعطای تسهیلات ویژه

- ایجاد پیوند بین کارآفرینان, تولید گران و مدیریت, زیرا که در 2 دهه پیش بیش از 70 الی

80 درصد اقتصاد چین دوتی بود و هم اکنون بین 50 60 درصد اقتصاد تحت کنترل دولت

- همگانی کردن ادبیات و فرهنگ صلح آمیز, مسالمت جویانه و قانونمند.

ترویج این پیامها در درجه اول بر عهده حزب کمونیست و اعضای آن است زیرا تنها ساختار قابل تکیه چین حزب کمونیست است که کلاً 64 میلیون نفرند که همه از نخبگان و فرهیختگان چینند.

در درجه دوم بر عهده چینی های ماوراء بحار است, در درجه سوم بر عهده مدیران میانی و فن آوران و درجه چهارم بر عهده دانشجویان و دانش آموزان و در پایان بر عهده ارتش و نیروهای «میلیشایی» چین است.

در گام سوم چینی ها می بایست مسیر توسعه را تعریف می کردند که در این رابطه دو راه در پیش پای آنان بود. راه اول راه غرب بود که بر عقلانیت و نظم و انضباط و قانون گرایی

استوار بود و راه دوم تکیه بر اخلاق، سنت، ارزشها و مرام بومی و ملی چین. چین در این میان، راه سوم را برگزید که آن اصل قرار دادن انسجام قانونی و اخلاقی بود که بدین طریق توسعه اقتصادی و رفاه عمومی بر مبنای اقتدار سیاسی و امنیتی را پیش گرفت. یعنی مرام کنفوسیوسی، نظم و انضباط و قانون گرایی استوار بود و راه دوم تکیه بر اخلاق، سنت، ارزشها و مرام بومی و ملی چین. چین در این میان راه سوم را برگزید که آن اصل قرار دادن انسجام قانونی و اخلاقی بود که بدین طریق توسعه اقتصادی و رفاه عمومی بر مبنای اقتدار سیاسی و امنیتی را پیش گرفت. یعنی مرام کنفوسیوسی، نظم و انضباط کمونیسم و خصوصیات نژاد زرد که عبارتند از پشتکار، صبر، قناعت و سازمان پذیری.

حال چین برای توسعه نیاز به سرمایه گذاری خارجی داشتند اما این کار مشکلی بود چرا که ورود خارجی ها مشکلاتی به بار آورد که عبارتند از:

1. تضعیف نگاه و علائق ملی و هویت شهروندی چین

2. بافت هندسی افکار عمومی بهم می خورد

3. منابع فرا مرزی محوریت پیدا می کند

4. تضعیف قدرت اخلاقی و ارزشی جامعه

5. احساس نابرابری اجتماعی

آقای «دنشیو پنک» که وی را می توان که مرد توسعه چین نامید برای رفع این مشکل می گوید ما درب ها را باز می کنیم تا هوای آزاد وارد کشور شود و ممکن است که همراه آن حشره های مزاحم هم وارد شود اما راه حل بستن پنجره ها نیست. بلکه راه حل و نگذاشتن توری است که این توری هویت، ارزش، اخلاقیات و آداب و رسوم چینی ها بود که تقویت شد. اکنون چین چالشهایی روبروی خود دارد که عبارتند از:

1. چالش مطالعات سیاسی و تحرک های اجتماعی

2. چالش اشتغال: چین سالانه به 30 میلیون شغل نیاز دارد.

3. چالش فقر و غنا در بین مناطق مختلف چین

4.

5. چالش مدیریت منابع خارجی بدلیل به وجود آوردن طبقه ای مرتبط با خارج مرزها در

کشور

6. چالش رقابت با امریکا سپس ژاپن و پس از آن اروپا و بعد هند

که البته چین همه آنها را درک کرده و برای آن راه حل ارائه داده و از سوی دیگر فرصتها و امکاناتش را شناخته که عبارتند از:

1. جمعیت: در چین جمعیت به جای تهدید بودن یک فرصت است و این هنر مدیریت چینی

2. نژاد زرد با خصوصیات ممتاز آن

3. ساختار اجتماعی چیست

4. امنیت عمومی: چین یکی از امن ترین کشورها در سطح دنیاست

5.

6. چینی های ماوراء بحار

حال با توجه به مطالبی که آورده شد زمینه های همکاری ما با چین چیست؟

در زمان جنگ رابطه مابا چین رابطه ای صرفاً تجاری بود. پس از جنگ و تا کنون رابطه،

وژه ای است و راهکار فردا رابطه مشارکتی با چین است که مکانیزم های آن توسعه

ایران و چین مطالعه شده که عبارتند از:

1. ایجاد فضای اعتماد، باورسازی و اطمینان دوجانبه

2. همکاری برد – برد با چین

3. شفاف سازی عرصه ها و ظرفیت های همکاری

4. تشکیل واحدها و بنگاههای مشترک

که این مکانیزم ها می تواند بر پایه های زیر بنا شود:

1. جمعیت با سواد, کارشناس و نخبه ایرانی که هم اکنون نیز بسیاری از دستاوردهای چین

2. منابع ارزی گسترده ایران

3. موقعیت ژئو استراتژیک ایران در منطقه جهان

4. شرایط ناپایدار خاورمیانه و ثابت ایران و وجود ایران بعنوان تنها گزینه ممکن برای بستن

پیمان اتحاد

5. مواضع نزدیک سیاسی دو کشور

6. منافع منطقه ای